

اتفاق‌های دوران انقلاب می‌افتد و خاطرات خویش را مرور می‌کند؛ در این رمان، نویسنده به موضوع مبارزات مردمی علیه رژیم پهلوی و اصل حفاظت از اصول اصلی انقلاب اسلامی اشاره دارد. عقربه‌های تنبل ساعت در نظر راوی رمان «عقربه‌ها خوابشان می‌آید» به زور حرکت می‌کنند و گاهی به خواب فرو می‌روند؛ خواب عمیقی که قهرمان آن‌ها اسماعیل در تظاهرات علیه رژیم شاهنشاهی به شهادت می‌رسد و پیکرش مفقود می‌شود. راوی دوست صمیمی اسماعیل بوده است و پس از مفقود شدن او هر جایی را که می‌توانسته دنبال او گشته است. داستان از آن‌جا آغاز می‌شود که راوی در حال سفر به مشهد در قطار اسماعیل را می‌بیند اما نمی‌تواند خود را به او برساند. در طول داستان یادآوری خاطرات اسماعیل، گذشت زمان را در نظر راوی کند می‌کند. خاطراتی که حضور اسماعیل در زندگی او را پررنگ می‌کنند. نثر رمان «عقربه‌ها خوابشان می‌آید» ساده و روان است و توصیف جزئیات در آن جایگاه ویژه‌ای دارد. نویسنده با استفاده از خاطراتی که راوی اول شخص به یاد می‌آورد خواب‌هایی که در طول سفرش به مشهد می‌بیند به خوبی از پس توصیف جای خالی اسماعیل بر می‌آید. راوی بی‌نام رمان دایم به اسماعیل فکر می‌کند و از این که او نیست تا با هم در سرازیری زندگی غلت بزنند و کیف کنند، عذاب می‌کشد. ردپای زنانگی نویسنده را می‌توان به وضوح در توصیفات او از شخصیت‌های زن رمان دید. به خصوص شخصیت خواهر راوی. مرضیه کم سن و سال است و پدرش می‌خواهد به زور او را به عقد مرد ثروتمندی درآورد تا نان خور کم کند.

نویسنده با نوشتن ذهنیات راوی در باره مرضیه به دفاع از حقوق زنان بر می‌خیزد و از زبان او این‌طور می‌نویسد: «نمی‌دانم چرا توی چشم‌های مرضیه که نگاه می‌کنم، یاد چشم‌های گوسفند قربانی می‌افتم که آقارضا قصاب، پارسال، توی حیاط‌مان کشت». این رمان، برگزیده سومین دوره جشنواره داستان انقلاب است و نقطه قوت آن در قرار دادن داستانی جذاب و خواندنی در زمینه انقلاب اسلامی است.

از آخرین آثاری که با موضوع انقلاب منتشر شد، می‌توان به رمان «هات» نوشته محمدعلی قاسمی اشاره کرد. این رمان ۵ جلدی را که جلد اول آن منتشر شده، می‌توان با دیگر گونه‌های حوزه رمان نویسی متفاوت دانست. در این اثر نویسنده علاوه بر بهره‌گیری از عناصر خیال و ذهن به بخشی از وقایع و آن‌چه اتفاق افتاده به صورت مستند اشاره کرده است.

رمان «هات» قرائت جدیدی از رمان بعد از انقلاب است و تنهایی انسان روزگار در این کتاب در قالب داستان به نگارش درآمده است.

محمدعلی قاسمی نویسنده «هات» می‌گوید: در این اثر شخصیت‌ها به دلیل مشکلات زندگی، مجبور می‌شوند از دیار خود راهی عراق شوند. عراق در این

ابتدا به دیدار پدر و فایعنی آقای لارستانی می‌رود، آقای لارستانی که امروز از مدیران ارشد کشور است، پدر و فایعنی را می‌شناسد، لارستانی با پدر نیمایی سردار حیدر در جنگ حضور داشته‌اند. او می‌داند که سردار حیدر پایش را در جنگ از دست داده است و امروزه در قناعت و سربلندی زندگی می‌کند. لارستانی وقتی می‌فهمد که نیمای نیز خود در دفاع ایران علیه عراق شرکت داشته، بیشتر خوشحال می‌شود. اما به نیمای می‌گوید که پیوند دو خانواده مسئله دیگری است. قرار می‌شود نیمای با مادر و فایعنی که به تازگی از سفر خارج کشور بازگشته است، ملاقات کند. نیمای وقتی به حیاط بزرگ و منزل اشرافی خانواده لارستانی می‌رود تازه در می‌یابد که چرا غیر از پدر و مادر و فایعنی باید در باره پیوند آنها نظر بدهد. ابتدا خیلی دلگرم است، اما آرام آرام در می‌یابد که فاصله طبقاتی میان آنها احتمالاً مانع پیوند خواهد شد. نیمای در خاتمه با پاسخ منفی خانواده لارستانی روبه‌رو می‌شود.

رمان «افرا» نوشته حسینعلی جعفری حکایت سفر «سازان» شخصیت اصلی داستان به روستایی در مازندران برای پیدا کردن قاتل پدرش است. پدر او یک سرهنگ شاغل در ساواک بوده و به گمان پسرش یک مبارز انقلابی به نام زکریا او را کشته است.

نثر رمان افرا که از زاویه دید دانای کل نوشته شده است به زبان خودمانی است. نشان دادن لهجه شخصیت‌های مختلف به خصوص «رستم علی» به کتاب رنگ و بوی بومی داده است و مواجعه دو شخصیت «سازان» و «رستم علی» نمادی از تعارض زندگی شهری و روستایی در دوران پیش از انقلاب است.

رمان «قسمت دوم» هاشم حسینی رمانی طنزآمیز است. این اثر در باره دو دانشجوی است که ایام عید در تظاهرات مردم علیه نظام پهلوی دستگیر می‌شوند و مجبور می‌شوند عید را پشت میله‌های زندان سپری کنند. مأموری که از دانشجویان بازجویی می‌کند یک ساواکی است که طی ملاقات‌هایی که مادر یکی از دانشجویان با فرزندش دارد عاشق او می‌شود، مادر دانشجوی سالیان پیش همسرش را از دست داده است. ساواکی نیز که چندی قبل از همسر خود جدا شده است، دختری دارد که پسر دانشجوی پس از آزادی از زندان عاشق دختر می‌شود. رمان «قسمت دوم» بالاخره با بریدن ساواکی از سازمان امنیت و از دواج هر دو زوج عاشق تمام می‌شود.

داستان کتاب «میوه‌های رسیده» سیدمهر دادموسویان درباره مردی است به نام خسرو که قبل از انقلاب جوانی و لگد بوده و روزگارش را در همدان با کیف زنی و قماربازی می‌گذرانده است اما در یکی از تظاهرات مردم دستگیر می‌شود و به بند سیاسی هامتقل می‌شود و در آن‌جا با اندیشه‌های مارکسیستی آشنا می‌شود اما بعداً در حرم امام رضا (ع) توبه می‌کند و با توجه به سوابق این مبارزات به ریاست اداره‌ای منصوب می‌شود و در برابر حق گویی و حق جویی یکی از کارمندان به یاد

می‌کند با خانواده او بیشتر ارتباط بگیرد. در این ارتباط است که با یک هویت جعلی و ارفاقی مبارزه می‌شود و پس از دستگیری اش توسط ساواک سعی می‌کند با ترفندی خود را نجات دهد که به نظر می‌رسد فصل تازه‌ای در زندگی اش آغاز می‌شود، یعنی فصل سکوت. مردگان باغ سبز (۱۳۸۸) محمد رضا بایرامی نیز که درباره اتفاقات تاریخی آذربایجان و دفاع مردم در برابر برخی فرقه‌ها و هجوم روس هاست، مضمونی اجتماعی-سیاسی دارد.

جاده جنگ (۱۳۸۹) منصور انوری که با وقایع سال ۱۳۲۰ و ماجرای اشغال ایران از سوی متفقین آغاز می‌شود، به جنگ هشت ساله ایران و عراق می‌رسد، با حجمی حدود ۲۰ جلد، بناست که طولانی‌ترین رمان انقلاب اسلامی باشد.

از داستان‌های سیاسی میان سال‌های ۸۹ تا ۹۲ می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد: قسمت دوم (۱۳۹۰) نوشته هاشم حسینی؛ فصل پنجم: سکوت (۱۳۹۰) اثر محمد رضا بایرامی؛ فقط عاشق زبان عاشق را می‌فهمد (۱۳۹۰) اثر قاسمعلی فراست؛ میوه‌های رسیده (۱۳۹۱) نوشته سیدمهر دادموسویان؛ عقربه‌ها خوابشان می‌آید (۱۳۹۱) اثر معصومه عیوضی. من منچستر یونایتد را دوست دارم (۱۳۹۱) از مهدی یزدانی خرم؛ افرا (۱۳۹۱) نوشته حسینعلی جعفری، زوال کلنل (۱۳۹۱) از محمود دولت‌آبادی؛ گرگ سالی (۱۳۹۲) اثر امیر حسین فردی؛ هات (۱۳۹۲) نوشته محمدعلی قاسمی.

مجموعه داستان «فقط عاشق زبان عاشق را می‌فهمد» اثر کاملاً متفاوتی است. فراست با نوشتن این مجموعه داستان نشان می‌دهد که تا چه میزان از فراست «نخل‌های بی‌سر» فاصله گرفته است. این فاصله نه تنها از نظر زبان و ساختار داستانی که بیشتر از نظر نگرش‌ها و ارزش‌های مورد نظر نویسنده است. فراست دهه ۹۰ نویسنده‌ای کم حوصله است؛ زشتی‌ها را بر نمی‌تابد و به نایب‌بری هانتها با اشاره‌ای نمی‌گذرد فقط عاشق زبان عاشق را می‌فهمد مجموعه هشت داستان کوتاه است با نام‌های:

هر کس گمشده‌ای دارد، دو غریب دو آشنا، عشق در منطقه ممنوع، هر کس کامرانی دارد، عکس (مزه انار)، مسافر، نشان و گواهی.

از میان داستان‌های فوق داستان کوتاه عشق در منطقه ممنوع داستانی است سیاسی اجتماعی که تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌های انقلاب در دیدگاه برخی دولتمردان را نشان می‌دهد. خلاصه داستان عشق در منطقه ممنوع این گونه است که نیمای بدین نجات‌وفا لارستانی، از هم دانشگاهی‌هایش، به او دل می‌بندد و از او خواستگاری می‌کند.

وفا خودش پاسخ مثبت می‌دهد، اما به نیمای می‌گوید که با توجه به شرایط خاص خانوادگی اش پاسخ پدر و مادر و حتی فامیلش مهم‌تر است. به همین دلیل نیمای